

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

والنتین کاتاسانوف* (Valentin Katasonov)

برگردان: ا. م. شیری

۱۱ مارچ ۲۰۲۴

دالر امریکا تا کی ارز جهانی باقی خواهد ماند؟



بازارهای غول‌آسای یورودالر به دوزهای فزاینده «دوپینگ» پولی و مواد مخدر نیاز دارند.

ا. م. شیری: قابل توجه مشتاقان کاغذبرگ‌های سبز بی‌هیچ پشتوانه فدرال رزرو (۱۲ بانک خصوصی) امپریالیسم

امریکا که به طور نامحدود چاپ رنگی می‌شود

در کنفرانس بین‌المللی برتون وودز در سال ۱۹۴۴ دلار امریکا رسماً وضعیت ارز جهانی کسب کرد و این وضعیت را در طول ۸۰ سال حفظ کرده است. اکنون سال‌هاست که بحث‌ها در مورد این که دلار امریکا تا چه زمانی به عنوان واحد پول جهانی باقی خواهد ماند، جریان دارد. دامنه ارزیابی‌ها وسیع است. برخی می‌گویند دلار امریکا (البته نه به عنوان پول ملی، بلکه به عنوان یک ارز جهانی) امروز و فردا نخواهد مُرد. برخی دیگر معتقدند که آن هنوز بیست - سی سال «قدرت ذخیره» دارد. سومی‌ها بر این باورند که نمی‌توان پیش‌بینی کرد. برای این که همه چیز به طور اتفاقی روی می‌دهد. در نهایت، برخی‌ها نیز معتقدند که دلار امریکا به هیچ وجه در خطر نیست و می‌گویند که «مشکلات موقتی» دارد. قبلاً هم با چنین مشکلاتی دست به گریبان بوده، اما با موفقیت بر آن‌ها غلبه کرده است و این بار نیز غلبه خواهد کرد.

در تاریخ بشر، ارزهای بسیاری بوده است که جایگاه جهانی داشته و به عنوان وسیله پرداخت جهانی در تجارت بین‌المللی و وسیله ذخیره (انباشت) مورد استفاده قرار می‌گرفته است. حتی مؤرخان «طول عمر» چنین ارزهای جهانی را، یعنی مدت زمانی که ارزها وضعیت جهانی خود را حفظ نموده‌اند، محاسبه کرده‌اند.

و این هم یکی از انتشارات مربوط به این موضوع: «ارزهای ذخیره جهانی: در دوره‌های گذار قبلی چه اتفاقی افتاد؟» این یک نمای کلی فشرده از ارزهای جهانی برای دوره‌ای از اواسط قرن ۱۵ تا ۲۰ است، که تخمین‌هایی در باره «چرخه عمر» هر ارز ارائه می‌دهد. من این داده‌ها را ذکر می‌کنم:

ریال پرتگال (از ۱۴۵۰ تا ۱۵۳۰) - حدود ۸۰ سال؛

اسکودو اسپانیایی (از ۱۵۳۰ تا ۱۶۴۰) - حدود ۸۰ سال؛

گیلدر هالندی (از ۱۶۴۰ تا ۱۷۲۰) - حدود ۸۰ سال؛

لونی‌دور فرانسوی (از ۱۷۲۰ تا ۱۸۱۵) - حدود ۹۵ سال؛

پوند استرلینگ انگلیس (از ۱۸۱۵ تا ۱۹۲۰) - حدود ۱۰۵ سال؛

دلار آمریکا، از ۱۹۲۰ در وضعیت یک ارز جهانی تا به امروز باقی مانده است. بنابراین، اکنون صد و چهارمین سال است که دلار آمریکا در این وضعیت قرار دارد.

البته، برآوردها تقریبی هستند. زیرا، همیشه نمی‌توان لحظه‌ای را که یک پول ملی به یک پول جهانی تبدیل می‌شود، به دقت ثبت کرد، همانطور هم گاهی اوقات نمی‌توان لحظه‌ای را که یک ارز وضعیت جهانی خود را از دست می‌دهد، به طور دقیق مشخص کرد.

علاوه بر این، سال‌هایی بود که دو ارز برای کسب عنوان ارز بین‌المللی در صحنه جهانی رقابت می‌کردند. یکی ارز «در حال ورود» و دیگری ارز «در حال خروج». مثلاً، در دوره بین جنگ‌های جهانی اول و دوم، پوند استرلینگ انگلیس همچنان به عنوان یک ارز جهانی باقی ماند و دلار آمریکا در حال کسب وضعیت ارز جهانی بود. در بازه زمانی بین دو جنگ، نوعی «قدرت دوگانه» بین پول‌های انگلستان و آمریکا وجود داشت.

و با این حال، تصویر بالا بسیار واضح و مساعد برای تأمل است. از داده‌های فوق چنین استنباط می‌شود که میانگین عمر یک واحد پولی به عنوان یک ارز جهانی تقریباً یک قرن است. اگر دلار آمریکا را از سال ۱۹۲۰ حساب کنیم، صد و چهارمین سال است که در این وضعیت قرار دارد. مطالب و نظرات بسیار زیادی در شبکه‌های اجتماعی و به طور کلی در اینترنت وجود دارد که نویسندگان آن‌ها با ارزیابی‌های ارائه شده من آشنا هستند. برخی از آن‌ها بر این باورند که دلار آمریکا به عنوان یک ارز جهانی در حال حاضر نزدیک به مرگ است. خوشبختانه، نشانه‌های زیاد دیگری دال بر تأیید این موضوع وجود دارد.

برخی از کارشناسانی که با «چرخه عمر» ارزهای قبلی جهان آشنا هستند و رویکردی به اصطلاح تاریخی دارند، معتقدند که عمر دلار آمریکا به عنوان یک ارز جهانی بیش از حد برآورد شده است. آن‌ها می‌گویند که سن دلار آمریکا را نه از سال ۱۹۲۰، بلکه باید از سال ۱۹۴۴ که وضعیت رسمی یک ارز جهانی کسب کرد، حساب کنیم. با این حساب، دلار اکنون «فقط» ۸۰ سال سن دارد. «پیرمرد» ممکن است ده سال یا دو سال دیگر زنده بماند.

با این حال، اکثر کارشناسانی که آینده دلار آمریکا را پیش‌بینی می‌کنند، در درجه اول نه بر «رویکرد تاریخی»، بلکه بر آمارهای اقتصادی و روندهایی که با استفاده از این آمار تعیین می‌شوند، تأکید می‌کنند. حامیان این «رویکرد اقتصادی» با اطمینان بیشتری در مورد روند رو به مرگ دلار آمریکا صحبت می‌کنند.

برای مثال، شاخص سهم دلار آمریکا از کل ذخایر ارزی کشورهای جهان همان است که صندوق بین‌المللی پول محاسبه می‌کند. این شاخص در نیمه اول دهه ۱۹۷۰ به اوج خود رسید. به این ترتیب، در سال ۱۹۷۰، ۸۴.۵۵٪، در سال ۱۹۷۵ - ۸۴.۶۱٪ بود. سپس دلار آمریکا به سرعت به از دست دادن موقعیت خود شروع کرد. در سال ۱۹۹۰، سهم آن

در ذخایر ارز خارجی جهان به پائین‌ترین سطح ۴۷.۱۴٪ کاهش یافت. موضوع «مرگ دلار» برای اولین بار در دهه ۱۹۸۰ مطرح شد (اگرچه با هر معیاری این ارز هنوز جوان بود، یا حداقل قدیمی نبود).

اما، پیروزی امریکا در جنگ سرد و شروع جهانی شدن نظام اقتصادی و مالی، به دلار امریکا جان داد. چرخه تقویت موقعیت دلار آغاز شد. این تقویت تا سال ۲۰۰۱ ادامه یافت، تا این که سهم دلار در ذخایر جهانی به ۷۱.۵۱ درصد رسید. سپس دور جدیدکاهش آغاز گردید که در نتیجه آن، سهم دلار در سال ۲۰۱۳ به ۶۱.۲۴ درصد کاهش یافت. در سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۶ دوباره تقویت شد و از سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۱۶ دوره جدید تضعیف موقعیت دلار آغاز شد. در این دوره، سهم دلار امریکا در ذخایر بین‌المللی از ۶۵.۳۶٪ به ۵۸.۳۶٪، یعنی در طول هفت سال به میزان ۷ درصد کاهش یافت. در این سال‌ها صحبت‌ها در باره موضوع «کاهش دلار» شدت گرفت.

این بحث‌ها تنها شامل پیش‌بینی «مرگ» دلار نبود. این دیدگاه که دلار امریکا می‌تواند بر تضعیف خود بار دیگر غلبه کند، طرفدارانی داشت. دوره‌های مشابه این هم وجود داشتند. مثلاً، سال ۱۹۹۰ که این رقم به ۴۷ درصد کاهش یافت، دوباره رو به افزایش نهاد. آن‌ها معتقدند که چرخه نزول در سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۲۲ نیز مطمئناً چرخه رشد به دنبال خواهد داشت.

در اینجا، داده‌های صندوق بین‌المللی پول برای سال ۲۰۰۳ که در آن آخرین آمار مربوط به پایان سه ماهه سوم سال ذکر شده، قابل توجه است. سهم دلار امریکا در ذخایر بین‌المللی به ۵۹.۱۷ درصد رسیده است. با استفاده از این فرصت، اطلاعات مربوط به سایر ارزهای ذخیره در همان تاریخ را (%) ذکر می‌کنم: یورو - ۱۹.۵۸؛ یمن جاپان - ۵.۴۵؛ پوند انگلیس - ۴.۸۵؛ دلار کانادا - ۲.۵۰؛ یوان چین - ۲.۳۷؛ دلار استرالیا - ۲.۰۲؛ فرانک سوئیس - ۰.۱۸؛ سایر ارزها - ۳.۸۹.

بنابراین، افزایش، اما نه چندان بزرگ سهم دلار امریکا در ذخایر ارزی جهان نسبت به سال ۲۰۲۲ مشهود است. و البته، دلار با سایر ارزها فاصله زیادی دارد؛ هیچ یک به آن نزدیک نشده است. این، زمینه را برای کسانی که به سرنوشت پول امریکائی اهمیت می‌دادند، فراهم کرد تا ادعا کنند که چرخه جدید تقویت دلار امریکا آغاز شده است. بنابراین، دلار امریکا حداقل چند سال بیشتر عمر تضمینی دارد.

برای مثال، مقاله‌ای در پایان سال گذشته تحت عنوان «چرا دلار اینقدر قوی است؟» منتشر شد. این مقاله را جیمز جی. ریکاردز، سردبیر مجلات هوش ستراتیژیک، پیشگویی پروژه، کراش اسپکولاتور و گلد اسپکولاتور نوشته است. او یک وکیل، اقتصاددان و بانکدار امریکائی است که دارای ۴۰ سال تجربه در بازارهای سرمایه در وال استریت می‌باشد.

او سعی می‌کند تناقض تقویت دلار را در متن فرایندهای منفی که در اقتصاد امریکا روی می‌دهد، توضیح دهد. ریکاردز مهمترین «منفی‌ها» را به ما یادآوری می‌کند. نسبت بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی امریکا در بالاترین حد خود قرار دارد و به ۱۳۰٪ تریلیون نزدیک می‌شود (۳۰٪ سطح معقول و هر سطحی بالاتر از ۹۰٪ مانعی برای هر گونه رشد اقتصادی محسوب می‌شود). ایالات متحده سال به سال کسری بودجه چند تریلیون دلاری را تجربه می‌کند. به نظر می‌رسد کنگره و کاخ سفید در چنگال تئوری پولی مدرن با این تصور گرفتار شده‌اند، که امریکا می‌تواند کسری نامحدود داشته باشد و بدون آسیب اقتصادی، بدهی نامحدود انباشته نماید و برای تأمین مالی بدهی و هزینه‌ها، در مقادیر نامحدود پول چاپ کند. ریکاردز به آخرین داده‌های بلومبرگ اشاره می‌کند: «پرداخت‌های بهره سالانه بدهی ملی پیش‌بینی شده امریکا در پایان اکتوبر از یک تریلیون دلار فراتر رفت. با افزایش نرخ‌های کلیدی فدرال رزرو ایالات متحده، هزینه‌های خدمات بدهی در ۱۹ ماه گذشته دو برابر شده است».

از نویسنده این مقاله سؤال می‌شود: «ارز آمریکا در چنین وضعیت ناگوار چگونه می‌تواند اینقدر قوی باشد؟». به نظر او این سؤال دو پاسخ دارد.

پاسخ اول: «...البته دالر مشکلات خاص خود را دارد، اما سایر ارزها نیز در وضعیت بدتری قرار دارند...». ارزیابی‌های ریکاردز از ارزیابی‌های مانند یورو، پوند استرلینگ انگلیس، ین جاپان و یوان چین را تکرار نمی‌کند. فقط متذکر می‌شوم که از نظر او مشکلاتی حتی بزرگتر از دالر آمریکا وجود دارند. ریکاردز در پایان می‌نویسد: «بنابراین، دالر مشکلات خود را دارد، اما بعید است یک سرمایه‌گذار پوند استرلینگ، یورو، ین یا یوان را به جای آن انتخاب کند».

پاسخ دوم عبارت است از واژه کلیدی «یورودالر». ریکاردز از این واژه چنین تعریفی ارائه می‌دهد: «یورودالرها سپرده‌های دالری هستند که در دفاتر خارجی بانک‌های بزرگ نگهداری می‌شوند و به تبع آن، از صلاحیت فدرال رزرو و مقررات بانکی آمریکا خارج هستند». نویسنده تأکید می‌کند که فدرال رزرو تأثیر بسیار کمی بر بازار جهانی دالر و ارزش مبادله‌ای آن دارد. وضعیت دالر صرفاً «امریکائی» تا حد زیادی به وضعیت یورودالر بستگی دارد، و وضعیت یورودالر نه به وضعیت اقتصاد آمریکا، بلکه به اقتصاد کشورهای بستگی دارد که یورودالر در آنها پدید آمده است. این‌ها نه تنها کشورهای اروپائی، حتی کشورهای کانادا، استرالیا، جاپان و غیره نیز شامل می‌شوند. به طور خلاصه، ارتباط دادن ارزیابی موقعیت دالر آمریکا صرفاً با وضعیت اقتصاد آمریکا نادرست است. با این حال، ارتباط بین بازارهای یورودالر و آمریکا در هر صورت برقرار باقی می‌ماند. چنین بازارهایی به اوراق بهادار خزانه‌داری آمریکا به عنوان یک ابزار برای حمایت از عملیات‌های مختلف به شدت نیاز دارند.

ریکاردز خاطرنشان می‌کند که بازارهای یورودالر (به ویژه اروپای غربی) در حال کاهش هستند. بانک‌های فعال در این بازارها وثیقه معتبر طلب می‌کنند. آن‌ها بدهی‌های شرکتی، وام مسکن یا حتی اوراق خزانه میان مدت آمریکا را نمی‌پذیرند. اسناد کوتاه مدت خزانه‌داری آمریکا تنها وثیقه قابل قبول آن‌ها می‌باشد و هر قدر کوتاه‌تر باشد بهتر است. این به معنای اوراق ۱ ماهه، ۳ ماهه و ۶ ماهه است. البته آن‌ها به دالر هستند. بانک‌ها برای تضمین قبوض به عنوان وثیقه، باید دالر را برای خرید اسکناس خریداری کنند. این امر باعث افزایش زیاد تقاضا به دالر شده و تا حدی قدرت دالر را توضیح می‌دهد.

ریکاردز نتیجه می‌گیرد: «مشکل اساسی کمبود دالر به این زودی‌ها برطرف نخواهد شد و به حمایت از دالر ادامه خواهد داد». او اعتراف می‌کند که نسخه او برای تقویت دالر در دسته «مشکلات فنی» که برای افراد عادی همیشه روشن نیست، قرار می‌گیرد.

می‌توانم در باره این نسخه محبوب‌تر بیشتر توضیح دهم. واقعا هم، بازارهای غول‌آسای یورودالر برای حفظ خود، به دوزهای حمایتی هنگفت «دارو» در قالب اوراق بهادار خزانه‌مدت (و بر این اساس، افزایش انتشار دالر) نیاز دارند. اما این که اشتیاق به «مواد مخدر» چه عاقبتی خواهد داشت، ما خوب می‌دانیم. بنابراین، نسخه تجویزی کارشناس امریکائی برای تقویت موقت موقعیت دالر در ذخایر بین‌المللی در نهایت به این نتیجه می‌رسد که نمی‌تواند برای مدت طولانی ادامه یابد. در ضمن، ریکاردز در پایان مقاله خود خوانندگان را به این نتیجه می‌رساند و از آن‌ها دعوت می‌کند که ذخایر خود به دالر آمریکا را با طلا جایگزین کنند و می‌نویسد: «سرمایه‌گذاران باید قیمت‌های امروز طلا را به عنوان یک هدیه و شاید آخرین شانس برای خرید طلا با این قیمت‌ها قبل از شروع رقابت واقعی برای پناهگاه‌های امن ببینند. طلای زیر ۲۰۰۰ دالر بسیار ارزان است. من مصرانه از شما می‌خواهم که این فرصت را از دست ندهید».

پی‌نوشت: در پایان، می‌خواهم دوباره به «نسخه تاریخی» که چرخه زندگی ارزش‌های جهانی را توضیح می‌دهد، بازگردم. بسیاری از حامیان، این موضوع را مورد توجه قرار می‌دهند که انتقال از عصر یک ارزش جهانی به عصر پول دیگر همیشه از طریق جنگ صورت گرفته است. جنگ بین بازیگران اصلی نقش مدعیان ارزش جهانی آغاز می‌شود و تا زمانی ادامه می‌یابد که مدعی قبلی در این جنگ شکست بخورد (یا حداقل، فرسودگی اقتصادی و نظامی آن اتفاق نمی‌افتد). امروزه علائم آماده شدن مدعیان ارزش‌های ذخیره اصلی برای چنین جنگی مشهود است.

برگرفته از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

۲۰ اسفند- حوت ۱۴۰۲

* - پروفیسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر مرکز پژوهش‌های اقتصادی «شاراپوف» فدراسیون روسیه، پژوهشگر مسائل پشت صحنه